

ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان

نهاد برگزار کننده همایش: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

(با همکاری و حمایت معنوی دادگستری بروجرد، دانشگاه امام صادق، انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه لرستان، آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد رفسنجان، سازمان ارشاد اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه و....)

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲ شماره مقاله: ۲۸/۸۶۶۲ رده بندی کنگره: ب ۶۶/۷۹۷

بررسی مفاهیم جرم و مجازات در قانون

فاطمه سپیدنامه

چکیده

از جایی که جرم را انجام هر عمل یا ترک هر عملی که نتیجه‌اش بر هم زدن مصالح مهم انسانی یعنی دین، نفس، مال، عقل و ناموس باشد، یا نظم و امنیت اجتماع را مختل کند و برایش در قانون مجازات تعیین شده باشد، مساله اصلی این مقاله بررسی مفاهیم جرم و مجازات در قانون می باشد و این موضوع از آن نظر دارای اهمیت و بررسی است که با توجه به تعریف جرم می‌توان گفت که مفهوم مجازات، وابسته به انجام جرم است و انواع جرم و مجازات در راستای یکدیگر حرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، در ازای هر عملی که جرم محسوب می‌شود، مجازاتی وجود دارد که به فراخور آن جرم، اعمال می‌شود. بنابراین مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این موضوع می پردازد. و هدف از انجام این موضوع بدست آوردن اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم بازدارنده از وقوع جرم و انحراف و آسیب های اجتماعی معطوف است که بتوان تا حدودی از طریق مجازات قانونی از این رفتار بزهکارانه جلوگیری کرد.

واژگان کلیدی: جرم، مجازات، حد، تعزیر، قصاص، دیه



۱. مقدمه

در میان حقوقدانان کیفری معاصر کمتر کسی تردیدی در ضرورت ارائه تعریف رسمی و قانونی برای جرم و مجازات در نظام حقوق نوشته ابراز می دارد از همین رو در تصویب قانون جرایم و مجازاتها پرداختن به تعریف جرم در همان آغاز و مباحث عمومی و کلی حقوق کیفری باید جزء لاینفک همه قوانین جزایی باشد این التزام ناشی از اجرای اصل قانونی بودن جرایم به عنوان یکی از اصول تضمین کننده حقوق و آزادیهای فردی است. بر اساس این اصل تا زمانی که جامعه یا نمایندگان آن اقدام به انتقال رفتاری به دایره و منطقه الزام نمایند آن رفتار در چهارچوب تجویز حاصل از اباحه توسط شهروندان قابلیت انجام خواهد داشت. حال وقتی جامعه تصمیم به ممنوع کردن یا واجب نمودن مصادیقی خارجی می گیرد، بر اساس اصول منطقی و عقلایی باید حدود و ثغور و مصادیق و مفاهیم آن را کاملا واضح و مبرهن به نحوی که برای عموم قابل فهم باشد تبیین نماید این عمل را در دانش منطق تعریف» می نامیم. تعریف اصولی دارد که مهمترین آن جامع و مانع بودن است بدین معنا که باید جامع همه انواع مصادیق بوده و مانع ورود مصادیقی غیر مرتبط در دامنه و قلمرو آن گردد همین چهارچوب ساده متأسفانه سالیهای متمادی معضل اساسی حقوق کیفری بوده و در برخی از نظامهای داخلی کیفری در خصوص دسته ای از جرایم هنوز محقق نشده است

از طرفی دیگر شاید بر روی کاغذ ارائه چنین تعریفی آسان جلوه نماید، ولی ارائه آن در انطباق با مصادیق خارجی از دشوارترین و غامض ترین تکالیف نظامهای حقوق کیفری داخلی است و به همین دلیل و نسبی بودن آن امکان استخراج تعریفی جهانی که مورد تبعیت همه نظامهای داخلی باشد نیز فراهم نمیباشد و حتی در حقوق نوپای کیفری بین المللی نیز چنانچه در اسناد متعدد آن ملاحظه می گردد، تعریفی از جرم یا جنایت بین المللی ارائه نشده و صرفا به تبیین مصادیق و انواع آن پرداخته شده است.



تعریف جرم و مجازات دامنه آزادی عمل شهروندان را مشخص نموده و نظم و انتظام اجتماعی را تضمین می نماید. بدین صورت که جامعه کلیه اقدامات زیانبار و مغایر وجدان جمعی را که ارتکاب آنها در نظم عمومی اخلاص ایجاد مینماید احصاء نموده و مسیر حرکت را برای اکثریت قانونمند ترسیم مینماید. همچنین با ارائه تعریف جرم و مجازات صاحبان قدرت که نمایندگان اجتماع می باشند دیگر به بهانه حفظ انتظام عمومی نمی توانند حقوق و آزادیهای شهروندان را مختل نموده و اقدامات و فعالیتهای ایشان را وقتی برخلاف قدرت خویش دیدند در قالب جرم منکوب نمایند. البته تعاریف متفاوتی از جرم و مجازات ارائه شده است که هر کدام متناسب با رشته و دانش مربوطه و از زاویه نگاه متنوعی سعی در تبیین این مفهوم مینمایند جامعه شناس، روان شناس، روان پزشک جرم شناس شارع و حقوقدان کیفری و ... تعاریف مختلفی از جرم ارائه مینمایند که در این مقاله سعی داریم به بررسی مفاهیم جرم و مجازات و راههای پیشگیری از آن بپردازیم.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. تعریف جرم: جرم آن است که قرآن درب عضی ازواژه ها به تعبیر جناح استفاده کرده است و همینطور در تمامی مکاتب حقوقی بدان نیز اشاره شده است حتی قانونگذر تعاریفی زیادی دار ین خصوص داشته است و برای آن مجازاتی معین نموده است نه تنها قانونگذار ما بلکه شرع مقدس نیز به جرم اشاره نموده و نمونه های زیادی از آنرا در فقه نام برده و برای آنها مجازاتی تعیین کرده است و در قالب جرائم حدی نام برده است. در فرهنگ لغت واژه جرم به معنای کار ناپسند، اعمال زشت یا قطع کردن معنی شده است؛ اما قانون مجازات اسلامی در ماده ۲ بیان می کند که هر عمل یا ترک عملی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود.



بر این اساس و در تعریفی کامل تر می توان بیان کرد که جرم یعنی انجام هر عمل یا ترک هر عملی که نتیجه اش بر هم زدن مصالح مهم انسانی یعنی دین، نفس، مال، عقل و ناموس باشد، یا نظم و امنیت اجتماع را مختل کند و برایش در قانون مجازات تعیین شده باشد.

بر اساس قانون انواع جرم سه عنصر تشکیل دهنده مشترک دارند که به آنها ارکان جرم هم می گویند. برای این که بتوان عملی را جرم شناخت باید تمام این عناصر وجود داشته باشند:

عنصر مادی: یعنی فرد باید قصد و نیتی که برای انجام جرم دارد را به صورت فیزیکی انجام داده باشد؛ به عبارت دیگر، تا زمانی که جرمی عملی نشده باشد، قابل مجازات نیست.

عنصر معنوی: به این معنا است که فردی که عملی را انجام می دهد، باید قصد و نیت انجام عمل مجرمانه ای را داشته باشد یا به عبارتی اراده او از انجام این کار، انجام جرم باشد. بر این اساس، جرمی که انجام شده باید با اراده و قصد همراه بوده باشد. البته در جرائم غیر عمدی این عنصر شامل تقصیر است.

عنصر قانونی: یعنی یک عمل هر چند از نظر عرف اجتماعی ناپسند باشد، تنها به این دلیل نمی توان آن را جرم نامید و برای این کار باید قانون آن عمل را جرم شناخته باشد و برای آن مجازات تعیین کرده باشد.

در ادامه بحث انواع جرم و مجازات باید گفت که از نظر عنصر معنوی یا روانی، انواع جرم به دو دسته تقسیم می شوند: جرم عمدی و جرم غیر عمدی که در ادامه آنها را توضیح خواهیم داد:

الف. انواع جرم

جرم عمدی: به جرائمی که اراده و قصد مجرم بر انجام آنها باشد، جرم عمدی گفته می شود. البته در خصوص جنابات (قتل و ضرب و جرح) طبق قانون مجازات اسلامی در چهار حالت جرم عمدی اتفاق خواهد افتاد:



اگر قصد فردی از انجام یک عمل، ارتکاب جنایت در حق فرد یا اشخاصی معین از یک جمع باشد و آن جنایت در عمل نیز اتفاق بیفتد، چه آن عمل از انواعی باشد که باعث وقوع آن جنایت و مشابه آن می‌شود و چه از آن انواع نباشد، جرم عمدی اتفاق افتاده است.

اگر فرد عمداً کاری را انجام دهد که به صورت نوعی، موجب وقوع جنایت یا مشابه آن می‌شود، هرچند قصد انجام آن جنایت و مشابه آن را نداشته باشد اما آگاه بوده باشد که آن کار از انواعی است که موجب ایجاد جنایت می‌شود، جرم عمدی محسوب می‌شود. (در این مورد باید گفت که ناآگاه بودن فرد از انجام فعل باید در دادگاه ثابت شود، مگر این که وقوع جنایت به دلیل حساسیتی بوده باشد که محل یا فرد آسیب‌دیده داشته است و آن حساسیت نیز شناخته شده نباشد.)

اگر فردی قصد انجام جنایتی که اتفاق افتاده را نداشته باشد و عملی هم که انجام داده در خصوص افراد عادی، معمولاً موجب وقوع آن جنایت نمی‌شود اما شرایط خاص فردی که جنایت در حق او انجام شده باعث شده که آن جرم به وقوع بپیوندد، مانند: بیماری، کهولت سن، وضعیت خاص مکانی، زمانی و... به شرط این که مجرم از وضعیت خاص آن شخص باخبر بوده باشد و آگاه به وضعیت موجود باشد (این مورد باید در محکمه اثبات شود)، حکم جرم عمدی است.

و در نهایت اگر فرد قصد انجام جنایت را داشته باشد ولی فرد یا جمعیت خاصی را در نظر نداشته باشد که جرم را در حق آنها انجام دهد و جنایت نیز به صورت عملی انجام شود، جرم عمدی اتفاق افتاده است، مانند: بمب‌گذاری در اماکن عمومی.

ب. جرم غیر عمدی:

اگر اراده و نیت فرد از انجام فعل، وقوع جرم نبوده باشد و نتیجه‌ای که اتفاق افتاده، بر خلاف قصد او به جرم منتهی شده است، جرم غیرعمدی محسوب خواهد شد. برای مثال اگر فردی به دلیل سهل‌انگاری خانه‌ای را به آتش بکشاند، مرتکب جرم غیرعمدی شده است.



با این حال جنایات (قتل و ضرب و جرح) غیر عمد می‌تواند به صورت خطای محض یا جرم شبه عمد باشد که توضیحات آنها را در بخش‌های بعد خواهید خواند.

۲-۲. تعریف مجازات: با توجه به تعریف جرم می‌توان گفت که مفهوم مجازات، وابسته به انجام جرم است و انواع جرم و مجازات در راستای یکدیگر حرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، در ازای هر عملی که جرم محسوب می‌شود، مجازاتی وجود دارد که به فراخور آن جرم، اعمال می‌شود. در واقع مجازات در لغت به معنای جزادادن، پاداش و کیفر آمده است. مفهوم حقوقی مجازات از معنای لغوی آن دور نیفتاده است؛ حقوق کیفری تعریف زیر را از مجازات ارائه کرده است: «تحمیا و اکنش اجتماعی به صورت رنج و تعب بر بزهکار» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ص ۲۹۱)

اما اگر بخواهیم بر اساس مبانی قانونی مجازات را تعریف کنیم، باید گفت که تنبیه یا کیفری که فرد در صورت انجام جرم به وسیله مجریان قانون با آن روبه‌رو می‌شود و با رنج و مشقت همراه است، مجازات نام دارد.

در ادامه بحث انواع جرم و مجازات باید گفت که از منظر قانون، مجازات باید دارای اصولی باشد که در ادامه می‌خوانید:

مجازات باید قانونی باشد؛ یعنی مجازاتی باشد که قانون برای آن جرم تعیین کرده است .

مجازات باید شخصی باشد؛ به این معنا که فقط کسی که جرم را انجام داده باید مجازات شود.

مجازات باید فردی باشد؛ یعنی به تناسب خصوصیات مجرم و در چارچوب قانون تعیین شود. مثلاً اگر مجازات قانونی یک جرم یک تا سه سال است، قاضی می‌تواند با توجه به شرایط اجتماعی و روانی مجرم، او را به حداقل مجازات محکوم کند.

مجازات باید برای افرادی که جرم مشابهی را در موقعیت مشابه انجام داده‌اند، یکسان باشد.



الف. انواع مجازات

در قانون مجازات اسلامی برای انواع جرم، چهار نوع مجازات تعیین شده است:

۱. حدود:

مجازات‌هایی هستند که میزان، نوع، موجبات و چگونگی اجرای آنها در شرع اسلام معین شده است؛ مانند مجازات شرب خمر که در اسلام حد شلاق تعیین شده است. اجرای حد پس از اثبات تنها به وسیله‌ی حکومت: با این قید کفاراتی همچون کفاره‌ی قتل عمد و کفاره‌ی افطار روزه و ... از تعریف خارج می‌شوند. هرچند برای برخی معاصی غیرجنایی کفاراتی لازم است و حتی نوع و مقدار آن را نیز بیان کرده است؛ اما انجام کفاره بر عهده‌ی خود مرتکب معصیت است و نه حکومت در مقابل اجرای حدود وظیفه‌ی حکومت است و به همین جهت در روایات اقامه‌ی حدود را وظیفه حاکم دانسته شده است. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ص ۲۷)

۲. قصاص:

این نوع از مجازات برای جنایات عمدی در نظر گرفته شده است که در خصوص جان انسان‌ها، اعضاء و منافع جمعی است؛ مثل قتل عمد که مجازات آن قصاص است. قصاص به کسر اول از ماده «قص» در اصل به معنای مماثلت، مساوات و تعادل است. اهلالی لغت قصاص را دنبال کردن و پی‌گیری نمودن نشانه و اثر چیزی دانسته‌اند و کیفر جانی را از این جهت قصای گفته‌اند که جنایت جانی به منظور اجرای مانند آن علیه وی دنبال می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده قصص)

۳. دیات:

در شرع اسلام برای جنایاتی که به صورت غیرعمد در مورد نفس (جان انسان)، اعضاء و منافع جمعی صورت می‌گیرند و یا جنایات عمدی که مجازات آنها قصاص نباشد، پرداخت مالی معین را



به عنوان دیه تعیین کرده است. در ماهیت دیه میان میان حقوق دانان اسلامی توافق وحدت رای وجود ندارد، برخی آن را مجازات گروهی جبران خسارت و عده ای آن را نهادی با ماهیت دوگانه می دانند. برپایه ی نظری که دیه را مجازات می داند دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت های خطایی و شبه عمد بر نفس و اعضا و منافع اعضا و نیز در جنایت های عمدی که قصاص ممکن نباشد برای پرداخت به بزه دیده یا اولیای او تعیین شده است (خوبی، ۱۴۲۲: ص ۱۸۶).

۴. تعزیرات:

این نوع از مجازات برای مواقعی غیر از موارد فوق است که اگر فرد عملی مخالف شرع یا قوانین حکومت انجام دهد، برای او تعیین می شود. دادگاه می تواند در مورد مجازات های تعزیری به صورتی متفاوت عمل کند، یعنی موقعیت های مختلف نظیر انگیزه مجرم، شیوه انجام، سوابق او و موارد دیگر را در نظر بگیرد و به تناسب آنها مجازات تعیین کند.

مجازات های جرائم تعزیری بر اساس قانون به هشت درجه تقسیم می شوند. به عنوان مثال درجه اول که شدیدترین نوع آنها محسوب می شود، شامل حبس بیش از ۲۵ سال، جریمه نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره تمام اموال یا منحل کردن اشخاص حقوقی است. به همین ترتیب خفیف ترین درجه، درجه هشتم است که حبس آن تا سه ماه، شلاق تا ده ضربه و جریمه تا ده میلیون ریال خواهد بود.

ب. مجازات های تکمیلی و تبعی:

انواعی که پیش از این معرفی شد، مجازات های اصلی هستند. در قانون مجازات هایایی نیز با عنوان تکمیلی و تبعی وجود دارند:



مجازات تکمیلی:

نوعی مجازات است که بر اساس موقعیت و نوع جرم به مجازات اصلی اضافه می‌شود که حتما باید در حکم ذکر شود، ولی انجام آن می‌تواند اختیاری یا اجباری باشد.

مجازات تبعی:

به معنای اثری است که بر مجازات مجرم اضافه می‌شود. این نوع از مجازات در حکم ذکر نخواهد شد و بعد از اجرای حکم و سپری شدن زمانی که مدنظر قانون است، تبعات آن از میان خواهد رفت. مانند منع اشتغال در مدت مشخص در مناصب دولتی.

مواردی که تا اینجا ذکر شد درباره اشخاص حقیقی یا همان افراد است. باید بدانید که پس از قانون مصوب سال ۹۲، برای اشخاص حقوقی نیز مجازات تعیین شده است. اشخاص حقوقی به مؤسسات، ادارات، شرکت‌ها و مانند آنها گفته می‌شود که به صورت مستقل دارای شخصیت هستند و مسئولیت دارند.

بر اساس قانون، مجازات‌های اشخاص حقوقی می‌تواند به صورت‌های مختلفی انجام شود: مصادره اموال، انحلال شرکت، مؤسسه و... محروم شدن از انجام برخی فعالیت‌ها، جریمه نقدی، محرومیت از فروش سهام و منتشر کردن محکومیت در رسانه‌ها، انواع مختلف مجازات برای این اشخاص است.

ج. اصل تناسب جرم و مجازات چیست؟

در پایان بحث انواع جرم و مجازات، لازم است بدانید که در اسناد حقوقی بین‌المللی اصلی وجود دارد به نام اصل تناسب جرم و مجازات که در حقیقت همان متناسب بودن شدت مجازات با نوع و میزان جرم است.



به عبارت دیگر بر طبق این اصل، در تعیین مجازات باید نکات مختلفی در نظر گرفته شود. مسائلی مانند: وضعیت کلی مجرم و قربانی (روحی، جسمی، اجتماعی و...)، میزان خسارت وارد شده، میزان بازدارندگی مجازات، توجه به ارزش‌های بشری، حفظ تعادل جامعه و حتی نوع حس عدالت‌خواهی بین‌المللی و کشور محل انجام جرم و ... باید در نظر گرفته شود.

همچنین باید توجه شود که تعیین میزان مجازات باید برای رسیدن به هدف‌های کیفری، مفید واقع شود. با این وجود همان‌طور که در بخش‌هایی از این مقاله خواندید، گاهی دیده می‌شود که مثلاً مجازات با توجه به شرایط آگاه بودن یا نبودن مجرم، وضعیت روانی، وضعیت کلی قربانی و ... دقت لازم به عمل آمده است و سعی شده که اصل تناسب رعایت شود. اما در برخی مواقع نیز فاصله بین حداقل و حداکثر مجازات برای یک جرم، تا چهل برابر فاصله است و این تناسب جرم و مجازات را کم‌رنگ خواهد کرد.

۳. عوامل موثر در وقوع جرم

عوامل موثر در به وقوع پیوستن یک جرم به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند که به بررسی آنها می‌پردازیم.

۳-۱. عوامل درونی یا فردی:

عوامل درونی با ویژگی‌های خود قابل تفکیک به دو گروه عوامل وراثتی و اکتسابی‌اند.

عوامل ارثی آورده‌ای است که کودک از پدر و مادر و نیاکان خود گرفته و هنگام زادن با خود به دنیا آورده است. تأثیر وراثت را در تکوین شخصیت کودک نمی‌توان انکار کرد.

پژوهش‌های سال‌های اخیر در زمینه علمی علم وراثت نشان می‌دهد که پاره‌ای از نابه-هنجاری‌های کروموزومی تأثیر ژرفی در عواطف، هیجان‌ها و به طور کلی رفتار انسان دارد.



در شریعت مقدس اسلام نقش وراثت در اخبار و احادیث مختلف به عناوین گوناگون عنوان شده و از وراثت با کلمه ی “عرق” یاد گردیده است. بی شک عامل محیط در کنار وراثت از اهمیتی فوق العاده برخوردار است، اما زیست شناسی که سابقه‌ای طولانی دارد به کمک جرم شناسی معاصر آمده تا نقش تردید ناپذیر وراثت را در نزد افراد انسانی و مجرمین بررسی کند.

ویژگی های اکتسابی شخصیت انسان سبب می‌شود پاره‌ای از استعدادهای بالقوه ارثی شکوفا شود و یا به عکس سد راهی برای بالندگی آن فراهم گردد. این ویژگی ها که در جرم زائی آنها نمی‌توان تردید کرد، گاه به طور غیر ارادی بر رشد و نمو جنین تأثیر می‌گذارد. نمونه ی آن رامی‌توان در تمایلات کم و بیش شدید برای مصرف مواد مخدر و در نتیجه دارو بارگی در شخصیت معتاد مشاهده کرد. (قایمی، ۱۳۸۵: ص ۳)

۳-۲. عوامل بیرونی

عوامل بیرونی شامل عواملی هستند که در محیط، انسان را همواره تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و محرک رفتارهای او به شمار می‌روند. پاره‌ای از این عوامل، خاص محیط طبیعی انسان هستند.

محیط اقتصادی در تغییرات بزه کاری سهم مهمی دارد. رکود اقتصادی در دوران بحران و مشکل اقتصادی به ویژه در زمان جنگ و نا به سامانیهای اجتماعی سبب می‌شود نوسانهای بزهکاری ناگهان تغییر کند. البته دوران شکوفایی اقتصادی نیز ممکن است تأثیری همانند، در نوسانهای بزهکاری باقی گذارد.

بحرانهای اقتصادی چون تورم و نزول ارزش پول و همچنین کمبود مسکن، تراکم جمعیت در محله‌های به خصوص فقیر نشین و بی کاری از زمره ی دلایل ازدیاد بزهکاری است.

تأثیر محیط خانوادگی در رفتارهای بزهکارانه خصوصاً در دوران کودکی و نوجوانی انکار ناپذیر است. اصولاً شخصیت کودک در خانواده پی ریزی می‌شود. گاه رشد عاطفی و اخلاقی کودک در



محیط‌های از هم گسیخته مختل می‌شود و زندگی کودک را با دشواری‌های فراوان از لحاظ خانوادگی و سازگاری با محیط مواجه می‌کند و گاه کودک در نتیجه فساد خانواده و تقلید از پدر و مادر الگوهای بزه‌کاری را در خانواده می‌آموزد.

محیط اجتماعی نیز فرد را در ارتباط و گاه در تعارض با دیگر افراد جامعه قرار می‌دهد. گاه این محیط اتفاقی است، محیط سربازی و محیط تحصیلی، شامل آموزشگاه و محیط کار آموزی از آن جمله است. گاه فرد خود در انتخاب این محیط نقش دارد.

محیط فرهنگی نیز گاه عاملی جرم‌زا تلقی می‌شود. بسیار اتفاق می‌افتد که ارزش‌های گروهی (صنفي، حزبی، قومی و...) در تعارض، با یکدیگر قرار می‌گیرند. در این میان فرد برای رهائی از این تعارض ناچار به هنجار شکنی تن در می‌دهد و جرمی به وقوع می‌پیوندد.

مقصود از محیط فرهنگی بیشتر اختلاف شهر نشینی و روستا نشینی، رسانه‌های گروهی، نقش قانونگذاری و بالاخره ارزش‌های هنری است.

قانون‌گذاری و قوه مقننه اگر عادلانه و درست باشد، در پیشگیری از جرایم بسیار مؤثر است اما وضع قوانین غیر عادلانه، بی‌توجهی به مسائل جامعه، عدم آگاهی نمایندگان از روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی و خواست‌های افراد، تکوین جرم را ساده می‌سازد. به خصوص که کلاهبرداران حرفه‌ای و محتکران با سابقه می‌توانند از قانون و خلأ موجود در آن به نحو چشمگیری استفاده کنند. (قایمی، ۱۳۸۵: ص ۴)

۳-۳. ارکان جرم‌شناسی:

در جرم‌شناسی پدیده‌های بزه، بزهکار و بزه‌کاری را به عنوان سه رکن اصلی در نظر می‌گیرند. بزه نخستین پدیده‌ای است که با تجمع افراد به دور یکدیگر تظاهر پیدا کرد؛ زیرا گرد آمدن افراد، برخورد‌های گوناگون را به وجود آورد که به نفع افراد و اجتماع نبوده و به ناچار واکنش



جامعه در برابر سربلچی آنان از مقررات “مجازات” بود. بنابراین هر عملی که در جامعه، قوانین را نقض کند و مجازات در پی داشته باشد “بزه” نامیده می شود.

بزهکاری: بررسی‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد که هر معلولی علتی دارد و هیچ چیز به خودی خود به وجود نمی‌آید. بنابراین، هر جرمی هم دارای علل سازنده‌ای است که بر روی فرد اثر می‌گذارد و او را به سوی ناسازگاری و نابهنجاری سوق می‌دهد. پیامد این سوق دادن ها، ارتکاب خطا است و خاطی را به یک تعبیر “بزهکار” می‌نامند.

بزهکاری: بزهکاری مجموعه‌ای از جرایمی است که در یک زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد. زمانی که این پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرد در حقیقت کلیه‌ی پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی، خانوادگی و مانند آن را در جامعه شامل می‌شود.

ژامبو مرلین می‌نویسد: بزهکاری پدیده‌ای است که بدون توجه به بزهکار، می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد و تراکم جرم، اهمیت گونه‌های مختلف جرائم، تغییرات اجتماعی جرایم را از نظر مکان، زمان، نژاد، مذهب و ... دقیقاً تحقیق کرد.

برای آنکه به ارزش‌های اجتماعی جرم و بزهکاری در جامعه پی ببریم، لازم است به تبیین آن در محیط‌ها، افراد و گروه‌های سنی مختلف پردازیم.

۳-۴. تبیین محیطی جرم:

به مجموعه عواملی که از خارج، ارگانیسم را در بر می‌گیرد و در آن اثر می‌کند محیط می‌گویند؛ به عبارت دیگر محیط مجموعه شرایط و عواملی است که تاریخ، طبیعت، جامعه، روابط فردی و ویژگی خانوادگی و ارثی می‌سازد و از درون و برون “فرد” را در خود می‌گیرد و می‌پروراند تا جایی که برخی را زاده محیط خود می‌دانند.



محیط اجتماعی: محیط اجتماعی شامل محیط های زیر می باشد:

۱- محیط خانوادگی: بررسی های تحقیقی و آماری نشان داده که این محیط رابطه ی مستقیمی با بروز رفتارهای انحرافی و ارتکاب جرم دارد.

۲ - محیط اتفاقی: در محیط اتفاقی یا موقت شامل مدرسه، کار و سربازی می شود.

۳- محیط انتخابی: محیطی است که خود فرد انتخاب می کنند و تقریباً جنبه تحمیل و فشار ندارد و شامل محیط خانوادگی که با انتخاب همسر و امر زناشویی و محیط کار و انجمن های ورزشی و کانون های مختلف برای گذراندن اوقات فراغت و غیره می باشد.

۴ - محیط تحمیلی: محیطی که در آن آزادی به کلی از بین رفته یا حداقل محدود می شود از محیط های تحمیلی می توان به بازداشت گاه، ندامت گاه، کانون های اصلاح و تربیت و غیره اشاره نمود.

۳-۵. عوامل محیطی جرم:

مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد و نیز از نظر عوامل اثر بخش با یکدیگر متفاوتند. این تفاوت ها و اختلاف ها را می توان در شهرها و روستاها و حتی محله های مختلف یکسره مشاهده کرد. عوامل محیطی موثر در ازدیاد یا تقلیل میزان جرم را می توان به شرح زیر گروه بندی کرد:

شهرنشینی و جرم: در کشورهای در حال توسعه رشد سریع جمعیت و تمرکز فعالیت های اقتصادی برگرد شهرهای بزرگ منجر به مهاجرت گروهی و گسترده به شهرها شده به نحوی که شهرنشینی انفجار آمیز بخش اصلی شهرها را از میان برده و زاغه و زورآباد ها و حلبی آبادها و احداث مسکن های غیر بهداشتی و غیرقانونی در محلات فقیرنشین را موجب شده است.



حاشیه‌نشینی و جرم: حاشیه‌نشینی با جرم رابطه مستقیم دارد. تنوع، اختلافات فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه‌های جاری زندگی موجب می‌شود تا مهاجران غیر متخصص که درآمد آنان کفاف مخارج‌شان را نمی‌دهد، جهت برآوردن نیازهای خود دست به کارهای غیر قانونی بزنند.

در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کج‌روی‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی و سرقت، اعتیاد، قاچاق و فحشاء و نظایر آن گسترش می‌یابد.

مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به شهرها

فقر و بیکاری: از دیگر عوامل محیطی جرم می‌توان فقر، بیکاری، بی‌سوادی، نادانی و شرایط بد اقتصادی را نام برد. از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی بیکاری و فقر عامل عمده‌ای در نابسامانی‌های رفتاری و روانی و در نتیجه سرقت، اعتیاد و خودکشی است.

۴. راههای پیشگیری از جرم

پیشگیری یکی از سیاست‌ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل اجتماعی است. این سیاست به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم بازدارنده از وقوع جرم و انحراف و آسیب‌های اجتماعی معطوف می‌باشد و از این جهت یک سیاست پیشینی است که در برابر انواع مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که سیاست پسینی است، قرار می‌گیرد. پیشگیری در مقام سیاست پیشینی، نسبت به سیاست پسینی یا پیشگیری کیفری که مدتها بر مجازات، آن هم از انواع شدید آن استفاده می‌کند، کارآمدتر، موثرتر و دارای اثر بخشی بالا و همچنین از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به صرفه‌تر است. علیرغم این اهمیت و تاثیر ویژه پیشگیری در کاهش نرخ جرم و آسیب‌های اجتماعی و بازدارندگی آن، در عمل توفیق چندانی حاصل نشده است.



مجموعه تدابیر و اقدام‌های کنش، واکنش پلیس که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی، افزایش هزینه‌های جرم و مداخله پس از وقوع جرم، درصد پیشگیری از ارتکاب مجدد همان جرم است، پیشگیری انتظامی نامیده می‌شود.

پیشگیری از وقوع جرم موضوعی است که هر چقدر هم به آن پرداخته شود، باز هم جای کار دارد. چند سالی است قوه قضائیه صحبت از آمار بالای پرونده‌های موجود می‌کند و در مقابل، مردم هم از اطاله دادرسی‌ها گله‌مند هستند. سرمنشأ بسیاری از پرونده‌های قضایی البته ارتکاب نوعی از جرم است و همین جاست که می‌توانیم نتیجه بگیریم، آغاز به ارتکاب جرم می‌تواند سبب افزایش میزان آسیب‌های اجتماعی باشد، اصلاً می‌توانیم به وضوح بگوییم که این دو در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند. در علم حقوق هر فعل یا ترک فعلی که موجب اخلاص نظم در جامعه شود و به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم است و از آنجا که پیشگیری از جرم هزینه بسیار کمتری نسبت به مجازات دارد، لذا ارجح بر اقدامات کیفری است.

حقوقدان، وفق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه پیشگیری از وقوع جرم است فلذا قوه قضائیه مکلف است به وسیله اهرم‌هایی که در اختیار دارد، از وقوع جرم جلوگیری کند. هرچند جرم‌شناسان، پیشگیری از وقوع جرم را به دو نوع پیشگیری کیفری و پیشگیری غیرکیفری تقسیم بندی کرده‌اند ولی پیشگیری کیفری و مجازات مجرم به قصد عدم ارتکاب مجدد جرم شامل اقدامات پیشگیرانه نیست، چرا که اقدامات پیشگیرانه شامل مجموعه اقداماتی است که افراد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد و در واقع از ابتدا مانع ارتکاب جرم توسط افراد جامعه می‌شود. با این همه، قانونگذار نباید بدو فردی از جامعه را مایه عبرت بقیه قرار دهد بلکه اساساً باید با شناخت تمام جوانب جامعه و عمل ارتكابی و توجه کارشناسانه به جرم، قانونمداری را در جامعه نهادینه کند به نحوی که افراد حتی فکر مجرمانه را به ذهن خویش خطور ندهند.

در بررسی‌های حقوق کیفری، باید قائل به عدم تسری اقدام کیفری به پیشگیری باشیم و این یعنی اینکه کیفر، جنبه همه جانبه پیشگیری نخواهد داشت. پیشگیری غیرکیفری به این معناست



که ما بدون کیفر و مجازات فردی و بدون اینکه حیثیت شخص را فدای جامعه نماییم و او را درس عبرت دیگران قرار دهیم موجبات عدم وقوع جرم را در جامعه نهادینه کنیم و به همین دلیل به مجازات به چشم عملی که موجب پیشگیری از وقوع جرم شود نگاه نمی‌کنیم»

به اعتقاد این حقوقدان، پیشگیری غیرکیفری اقداماتی است که قبل از وقوع جرم اعمال می‌شود و معمولاً ماهیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد و هدف از آن جامعه‌پذیر بودن و قانونمند شدن افراد است. این اقدامات می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

اقدام در جهت رفع حوائج و نیازهای اصلی و اساسی افراد. انسان موجودی است که رفتارهایی تغییرپذیر و البته جامعه‌پذیر دارد و مسلماً زمانی که احساس خطر کند، امکان بروز رفتارهای ناهنجار بیشتر از هر زمان دیگری است. پس مهمترین وظیفه حاکمیت ایجاد فضای امن و کاهش خطرات برای افراد است. فضای امن شامل امنیت شغلی، اجتماعی و اقتصادی است. کسی که در محل کار خود احساس دوام و بقا نکند و هر لحظه خود را در معرض اخراج و بیکاری و... ببیند، یقیناً جهت تأمین مایحتاج خود در همان محل کار دست به ارتکاب جرم می‌زند تا هرچه بیشتر عوارض بیکار شدن را بکاهد و یا کارمندی که بیم اخراج نداشته و امنیت شغلی نیز دارد ولی به واسطه مکفی نبودن حقوق و عدم تعادل بین درآمد و هزینه نمی‌تواند پاسخگوی خانواده خود باشد، در واقع امنیت اقتصادی نداشته و هر لحظه در معرض ارتکاب جرم است.

اقدام در جهت برخورداری افراد جامعه از عدالت اجتماعی و جلوگیری از اختلافات طبقاتی، اختلاف طبقاتی یکی از مهم‌ترین دلایل برای ارتکاب جرم است و جامعه‌ای که دچار این عارضه باشد، بی‌شک به آمار بالای جرم و جنایت هم دچار است. ثروت‌های بادآورده و نجومی، رانت‌های شغلی، نابرابری در استفاده از امکانات و خدمات عمومی، تبعیض در ارائه تسهیلات بانکی، عدم تقسیم صحیح سرمایه، ناعدالتی در تقسیم شغل، رابطه سالاری به جای شایسته سالاری و... نتیجه‌ای جز تشدید اختلاف طبقاتی و بالطبع بروز جرم و جنایت به قصد کاهش این اختلاف و دست یازیدن به سرمایه و ثروت ندارد.



اقدام در جهت تحکیم کیان خانواده . برخی قوانین هرچند به قصد حمایت از خانواده وضع شده‌اند ولی در عمل این طور نیستند .نابرابری در برخورداری از حمایت قانونی موجب سوءاستفاده افراد از اهرم‌های قانونی می‌شود. برای مثال امروزه مهریه از یک طرف ابزاری است برای اعمال و تحمیل نظر زوجه به زوج و از طرف دیگر به این دلیل که وصول مهریه زوجه را درگیر پیچ و خم دادگاه و قانون و اعسار و تقسیط می‌کند موجب می‌شود که هم حسن معاشرت زوج و زوجه تحت‌الشعاع این دعوی قرار گرفته و ناچار به ادامه این مسیر تا وقوع طلاق شود و هم قولی که قانونگذار به زوجه بابت دین ممتاز بودن مهریه و وصول آن داده بود عملی نشود و در همان حد عندالمطالبه بودن باقی بماند. مطالبه‌ای که به سختی منتهی به وصول بخش ناچیزی از آن در دراز مدت گردد تا جایی که ناچار به بذل شود و چه بسا همین مقررات موضوعه و نحوه اجرای آن موجب تشدید اختلافات زوج و زوج و توسل آنها به اقدامات تلافی جویانه، ایدایی، تحریک‌آمیز و نظایر آن شود و همچنین قواعد غیرمنطقی در مطالبه و وصول حقوق زوجه مانند اجرت المثل ایام زناشویی یا نفقه. برای مثال کدام شوهر بابت تأمین مخارج زن مانند هزینه پوشاک و خوراک و درمان و مسکن از وی رسید دریافت وجه و خدمات مطالبه می‌کند؟ در کدام فیش واریزی به حساب همسر، عبارت «بابت نفقه فلان ماه» درج می‌شود که اگر چنین باشد، خانواده مفهوم عام خود را از دست خواهد داد ولی متأسفانه در عمل شاهدیم که چنانچه زوجه مطالبه نفقه کند دادگاه با ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری از زوج مطالبه رسید و فیش بانکی و گواه و امثال آن می‌کند که مستقیماً با کیان خانواده مفهوم خانواده و ارج و قرب آن در منافات است .لذا وضع قوانین صحیح و متناسب و البته به‌روز شده یکی از راه‌های نتیجه‌بخش از جهت پیشگیری از وقوع جرم است.

آموزش قوانین امروزه در کتب درسی کمتر نشانه‌ای از آموزش قوانین حتی به صورت ابتدایی و کلی و مفهومی می‌بینیم. در دبیرستان‌ها به فراخور رشته‌ای که دانش‌آموزان انتخاب کرده‌اند موارد حقوقی مرتبط با آن رشته و صنف و رسته آموزش داده نمی‌شود در نهایت هم افراد نسبت به حقوق و آزادی‌های فردی، تکلیف خود نسبت به جامعه و تکلیف جامعه نسبت به خود



بی‌اطلاع هستند. از مناسبات و مراودات و معاملات اجتماعی هیچ اطلاعی ندارند و اگر حقی از ایشان ضایع شود، در وهله نخست متوجه تضییع حق خود نمی‌شوند و ثانیاً روش‌های احقاق حقوق تضییع شده خود را نمی‌دانند. حال با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد که محول نمودن این وظایف خطیر به قوه قضائیه با هدف پیشگیری از جرم در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی اساساً درست نیست، چرا که قوه قضائیه اهرم‌هایی که بتواند موارد فوق را اجرایی و اصلاح نماید در اختیار ندارد، نه توان وضع قانون دارد و نه قادر به اعمال برابری اقتصادی و معیشتی مردم است و نه امکان اصلاح سیستم آموزشی و تنظیم کتب درسی را دارد.

با توجه به موارد گفته شده، اراده به پیشگیری از وقوع جرم نیازمند اراده اساسی از طرف هر سه قوه است:

۱ - قوه مقننه با وضع قوانین جدید و به‌روز و متناسب جامعه امروزی و همزمان اصلاح قوانین قدیمی و فرتوت که بعضاً حدود یک قرن از وضع آن گذشته است (مانند قانون مدنی که مصوب ۱۳۰۷ خورشیدی است).

۲ - قوه مجریه با اجرای درست قوانین و تقسیم صحیح سرمایه و ارائه برابر امکانات دولتی و عمومی و تسهیلات به آحاد مردم.

۳ - در نهایت قوه قضائیه با برخورد صحیح و برابر با بزه‌کاران و اعمال کیفر و تطبیق مناسب و صحیح مجازات قانونی و در نظر گرفتن اوضاع و احوال مرتکب جرم از هر لحاظ و پژوهش‌های واقعی در راستای کشف علل بروز رفتار مجرمانه و گزارش به قوای مقننه و مجریه جهت بررسی قوانین و نحوه اجرای آن گام مهمی در پیشگیری از وقوع جرم بردارد.

۴-۱. عوامل موثر در پیشگیری از وقوع جرم

جهت پیشگیری از وقوع جرم، ابتدا بایستی عوامل وقوع آن را شناسایی نمود. علل عبارتند از:



۱- خالاهای قانونی.

۲ - عدم هماهنگی دستگاه های مرتبط.

۳ - عدم آگاهی و اطلاع افراد و بعضاً دستگاههای دولتی و غیر دولتی از قوانین.

۴ - غیر منصفانه بودن توزیع منابع و امکانات و فرصت ها در سطح جامعه.

۵ - غرور و خودخواهی و کنجکاوی افراد.

چنانچه هر گونه اقدامی در جهت پیشگیری از وقوع جرم و افزایش -امنیت جامعه با برنامه ریزی، سازماندهی و هماهنگی در بین متولیان امنیت و افراد جامعه از دیدگاه کارشناسانه، علمی و تخصصی صورت پذیرد و هدایت، نظارت و کنترل بر این اقدامات از مسیر تخصصی باشد و از نظرات این کارشناسان بهره گرفته شود یقیناً شاهد نظم اجتماعی - کاهش جرائم - آرامش جامعه - افزایش خلاقیت و نوآوری - پیشرفت و توسعه جامعه - دسترسی به امکانات و تجهیزات مدرن و پیشرفته و در نهایت امنیت عمومی بالائی خواهیم بود.

پیشگیری از وقوع جرم و آسیبهای اجتماعی فواید زیادی دارد من جمله هزینههای پیشگیری با کاهش جرم و ناامنی و معضلات دیگر را جبران می کند و موجب کاهش بی عدالتی می شود، کاهش هزینههای اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی را به همراه دارد.

۵. فلسفه مجازات از نظر اسلام

«مجازات» از منظر اسلام دارای اهداف خاص و مشخصی است؛ مانند تامین «عدالت» که مبنای تمام دستورات و مقررات اسلامی را تشکیل می دهد. در واقع مجرم با ارتکاب جرم، از طرفی حرمت احکام الهی را شکسته و از طرفی به منافع نامشروعی رسیده که عقلا و شرعا او را مستوجب عقاب می سازد. از سویی بازداشتن مجرم از ارتکاب دوباره جرم، و همچنین بازداشتن



دیگران از ارتکاب آن، از اهداف دیگر مجازات های اسلامی است. همچنین اصلاح و تربیت مجرمین، تهذیب و تطهیر آنان و حفظ نظام اجتماعی، را می توان از اهداف دیگر مجازات های اسلامی دانست.

در فلسفه «مجازات» از دیدگاه اسلام، اهداف خاصی مورد نظر قانونگذار بوده است لذا به طور خلاصه به این اهداف می پردازیم:

۵-۱. تامین «عدالت»

مکتب اسلام که نشأت گرفته از «حکمت» و «عدالت» ربوبی است، تمام دستورات و مقررات خود را بر اساس «عدالت» و برای تأمین آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان تشریع نموده است که این «عدالت» در بُعد جزایی نمود بیشتری دارد. بدون تردید مجرم با ارتکاب جرم، از طرفی حرمت احکام الهی را می شکند و قانون دینی را نقض می کند و این عمل عقلاً و شرعاً او را مستحق مجازات می نماید. و از طرفی دیگر، در اکثر جرایم علاوه بر این حرمت شکنی، مجرم به منافع و خواسته هایی دست می یابد که نامشروع و غیرقانونی هستند و رسیدن به آن منافع از طریق ارتکاب جرم، موجب محرومیت دیگران از حق مشروع خود می گردد. همچنین مجرم با ارتکاب جرم، عواطف و احساسات مجنی علیه و بستگان او و سایر افراد جامعه را جریحه دار می کند و احساس امنیت و آسایش اجتماعی را که یکی از ارکان حیات اجتماعی سالم می باشد سلب می کند و تمام این ها از بین بردن «عدالت» در بُعد فردی و اجتماعی است. در این وضعیت است که نیاز به برقراری دوباره عدالت در جامعه احساس می شود و همه مکاتب حقوقی خود را به بازسازی «عدالت»، متعهد می دانند و هر کدام به گونه ای برای رسیدن به این هدف تلاش می نمایند.

در نظام حقوقی اسلام که «عدالت»، پایه و اساس آن را تشکیل می دهد نیز قوانین و مقررات به طور کلی و قوانین کیفری به صورت خاص برای برقراری دوباره عدالت تشکیل شده است.



۵-۲. بازدارندگی

یکی از اهداف مجازات از دیدگاه اسلام، بازداشتن مجرم از ارتکاب دوباره جرم و بازداشتن دیگران از دست زدن به اعمال مجرمانه است. پیشگیری از ارتکاب جرم و ایجاد موانع برای جلوگیری از نزدیک شدن به زشتی ها و آلودگی های عملی و اخلاقی، بخش وسیعی از تعلیمات اسلامی را به خود اختصاص داده است. اسلام در کنار برنامه هایی که انگیزه های مجرمانه را از بین می برد و انسان ها را از درون اصلاح می کند، یک عامل بازدارنده بیرونی را نیز قرار داده است که اگر کسانی علی رغم تمام برنامه های تربیتی اسلام باز هم به طرف جرم و نقض قوانین بروند و حقوق دیگران را پایمال نمایند، از بیرون آن ها را کنترل نموده و از اعمال مجرمانه آن ها جلوگیری کند. این عامل بیرونی همان مجازات هایی است که توسط شارع وضع گردیده است و هر کدام به گونه ای از وقوع جرایم بیشتر جلوگیری می کنند.

۵-۳. اصلاح و تربیت

در بسیاری از جرایم، امکان بازسازی اخلاقی و اجتماعی مجرم برای آینده وجود دارد و مجرمین می توانند با یک برنامه تربیتی و اصلاحی، دوباره به جامعه بازگردند و راه صحیح زندگی را در پیش گیرند. به نظر می رسد که مجازات در شرایط خاص می تواند اثر تربیتی و اصلاحی داشته باشد. البته از دیدگاه اسلام، انسان ها باید به گونه ای تربیت شوند که نه تنها خودشان هرگز به جرم و گناه نزدیک نشوند بلکه دیگران را نیز نهی نموده و مانع وقوع جرم در جامعه شوند.

۵-۴. «تهذیب» مجرم و تکفیر گناه

یکی از اهداف و آثار مجازات های اسلامی، «تهذیب» و «تطهیر» مجرمین است. به استناد بعضی از منابع اسلامی، کسی که به دلیل ارتکاب جرم در این عالم مجازات شود، در عالم دیگر برای ارتکاب این عمل مجازات نخواهد شد. و در برخی از تعبیر آمده است که خداوند متعال،



کریم تر از آن است که کسی را دو بار برای انجام عملی مجازات نماید (کلینی، ۱۴۰۷ق:ج:۷، ص ۲۶۵)

البته نظریه مخالفی نیز در این زمینه وجود دارد که می گوید: مجازات اخروی اعمال به عنوان یک اثر وضعی باقی است و مجازات دنیوی نمی تواند آن را از بین ببرد. خداوند متعال می فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَنَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء، آیه ۹۳)؛ (هر کس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن خواهد بود؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و مجازات بزرگی را برای او آماده ساخته است).

ولی به نظر می رسد همان گونه که برخی از دانشمندان مسلمان بیان نموده اند، جمع بین این دو نظریه به این است که مجازات این جهان اگر با بازگشت و توبه مجرم و اصلاح درونی او باشد، موجب رهایی او از عقوبت اخروی خواهد شد و آیه مربوط به قتل نفس هم به کسی اختصاص دارد که توبه نکند، چون اگر قاتل توبه کرد مورد عفو قرار می گیرد. و نیز گفته شده که این آیه مربوط به کسی است که مؤمن را به دلیل ایمانش بکشد و چنین کسی کافر و مستحق خلود در آتش است (طوسی؛ بیتا: ص ۲۹۴)

۵-۵. حفظ نظام اجتماعی

اسلام به عنوان یک شریعت و حیانی، همان گونه که حیات فردی انسان ها را تحت پوشش خود قرار می دهد زندگی اجتماعی انسان ها را نیز مورد نظر قرار داده است و بسیاری از دستورات و قوانین آن ناظر بر حیات جمعی انسان ها می باشد.

حیات اجتماعی سالم در گروهی وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی در گروهی حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است. بنابراین از دیدگاه اسلام یکی از اهداف کیفری اسلام و چه بسا مهم ترین هدف آن، حفظ نظام اجتماعی و



دینی است و این هدف بلند تأمین نمی شود مگر این که انسان ها از طریق اصلاح و تربیت یا از طریق ارعاب و ترس از مجازات، از ارتکاب اعمالی که ارکان نظام اجتماعی را خدشه دار می کند بازداشته شوند. (رضوانی، ۱۳۸۶: ص ۳۴۰).

نتیجه گیری

با توجه به مطالب ذکر شده در این مقاله نتیجه می گیریم که:

برخلاف توقع بسیار از قانونگذار جدید در رفع چالشهای پیشین و توسل به قاعده انگاری عاری از نقص و ایراد با لحاظ سوابق پیشینی آنچه در عمل اتفاق افتاده تعریفی از جرم است که به دلیل داشتن ابهامات، نقایص، تناقضات و چالشهای فراوان نمی تواند در ارائه تبیینی صحیح و منطقی از مهمترین موضوع حقوق کیفری موفق باشد و تعریف ارائه شده از جانب قانونگذار محترم در ماده ۲ قانون جدید نمی تواند حافظ حقوق و آزادیهای فردی به عنوان مهمترین فایده تعریف جرم باشد؛ بالاخص که حتی این تعریف با رویکرد خود قانونگذار در سایر مواد قانون مجازات اسلامی نیز منطبق نیست. به عنوان ماحصل این نوشتار می توان تعریف ذیل را از جرم ارائه داد تا با تدقیق صاحبان اندیشه و دکترین حقوق کیفری شاید در آینده منجر به اصلاح تعریف جرم گردد؛ هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که از جانب شخص دارای قابلیت اسناد به صورت عمدی یا غیر عمدی انجام یافته و در این قانون یا سایر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی برای آن مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر شده باشد جرم محسوب می شود.

و همچنین در حقوق کیفری به طور ویژه و در سایر شاخه های حقوق به طور کلی تعریف و تبیین موضوع شاخه حقوقی مربوطه، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا هم گستره و حدود و ثغور آن رشته حقوقی را مشخص نموده و بدین ترتیب مانع تشّت شاخه های حقوقی شده و هم سبب احترام به حقوق شهروندی در سطح اجتماع می گردد.



| ۲۵



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات میزان.
۳. اسماعیل رحیمی نژاد، «بررسی تطبیقی قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی، (در حقوق اسلام، حقوق موضوعه ایران و نظام حقوقی کامن لا)»، نامه مفید، سال ۱، ش ۴ (زمستان ۱۳۷۴).
۴. حسینی، سید محمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت.
۵. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶)، اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ شمسی، چاپ سوم.
۶. صانعی، پرویز (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، انتشارات گنج دانش.
۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۰۲ق)، تفسیرالمیزان، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)
۸. طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، محقق / مصحح: عاملی، احمد قصیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۹. قایمی، محمدحسن (۱۳۸۵)، عوامل موثر در بروز جرایم و مقاصد اداری و شیوه های پیشگیری از آن، فصلنامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۵۶.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳)، مقدمه علم حقوق، تهران، انتشارات بهمن.



۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ قمری، چاپ چهارم.



جهت همکاری با بنیاد علمی قانون یار در راستای برگزاری سمینار، کارگاه های آموزشی، کنگره و نشست های علمی با موسسه تماس بگیرید ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مدیر پژوهش ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

6th scientific conference of Ghanonyar Institute at the national level

ششمین همایش ملی جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه

**مشاره ۲۴ ساعت به پژوهشگران
در خصوص نگارش و ارسال مقالات
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵**

مخبرهای پذیرش مقالات پژوهشگران:

- ۱- پژوهش های مربوطه در حوزه پیشگیری از ارتکاب جرم و خودکشی
- ۲- شناخت علل و عوامل انحرافات جوانان در جامعه و ارائه راهکار عملی
- ۳- بررسی لزوم رعایت حجاب و آثار و پیامدهای آن در جامعه
- ۴- راهکارهای مبارزه با فقر، بی حجابی و فساد، اعتیاد، طلاق و
- ۵- پژوهش های مربوطه در راستای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی
- ۶- تاثیر کیفر و مجازات در تکرار جرم و دستیابی به جامعه ای سالم
- ۷- شناسایی معضلات و اسباب های اجتماعی و ارائه راهکار حل مشکل

ایمیل همایش برای ارسال مقالات LOLOMENSANI@YAHOO.COM	رئیس علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی
مدیر هیأت سیاستگذاری همایش دکتر سیدمصطفی حسینی	ارسال مقاله از طریق پیام رسان ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۰۲
شماره تماس های دبیرخانه همایش ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶	مکان و زمان برگزاری همایش ۲۹ آذر- سالن همایش سازمان ارشاد پروچرد

لوگو حامیان معنوی و برگزار کنندگان همایش

ششمین همایش جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان (نهاد برگزار کننده: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار) - پروچرد- ۱۳۰۸